

برگشت به	عبداللهیه، مسجد اسماعیل، ۱۳۴۶ -
طهران و نام پدیدآور	سیدان خردسنگه، عرفان مدرن، انجمن انسان کامل در عرفان اوشو و کربابو و تطبیق آن با عرفان
مشخصات نشر	فرانی، سید اسماعیل، عبداللہی،
انحصار طبعی	تهران: مؤسسه تألیفات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم، ۱۳۹۲.
شابک	۲۹۶ ص، ۱۶/۵×۲۱/۵، س.م.
روسیه، فهرست نویسی	978-600-5529-14-2
یادداشت	فیه
عنوان دیگر	کتابخانه
موضوع	تطبیق انسان کامل در عرفان اوشو و کربابو و تطبیق آن با عرفان قرآنی
اموضوع	اثنو، ۱۳۹۱ - ۱۳۹۰ - م. نقد و تصویر
موضوع	کربابو، باقری، ۱۳۹۷ - م. نقد و تصویر
موضوع	انسان (عرفان)
موضوع	انسان (عرفان) - جنبه های قرآنی
موضوع	عرفان - تاریخ - قرن ۲۰ م.
کتابخانه افزوده	سازمان تألیفات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم، ۱۳۹۲
زبان بومی کشور	۱۳۹۲ م/ع/ BPTAV/
نویسنده	۲۲۷/۸۲
ویرایش	۲۲۲۲۸۲۷
ویرایش	۲۲۲۲۸۲۷



انتشارات پژوهشکده باقر العلوم

سایبان خود ساختن عرفان مدرن

انجمن انسان کامل در عرفان اوشو و کربابو و تطبیق آن با عرفان

محمد اسماعیل عبداللہی

ناشر: انتشارات پژوهشکده باقر العلوم، راج گرافیک هادی معزی

مسئول تولید: سید عبدالحسین زین العبادی - پ. طه قم

ناظر علمی: حبیب ا. یوسفی

ویراستار: ابوالقاسم عاشوری

نوبت و سال چاپ اول / زمستان ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۲۹-۱۴-۲

مرکز بخش

قم، بلوار نیایش، جنب مصلی قدس، پژوهشکده باقر العلوم

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۳۶۹، شماره: ۰۲۵-۳۷۷۴۲۲۸۴

صندوق پستی: ۱۳۵-۳۷۱۸۵، www.rbo.ir

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۹	سخن پژوهشگرده.....
۱۱	مقدمه آیت الله دکتر احمد عابدی.....
۱۵	پیش‌گفتار.....
۲۷	فصل اول: مفهوم شناسی واژه‌ها.....
۲۹	نقطه شروع.....
۳۰	مفهوم شناسی.....
۳۰	تحلیل و بررسی واژه «انسان».....
۳۲	انسان در فلسفه اسلامی.....
۳۳	انسان در عرفان اسلامی.....
۳۷	تحلیل و بررسی دو واژه «کامل» و «کمال».....
۴۱	کمال در فلسفه اسلامی.....
۴۳	کمال در عرفان اسلامی.....
۴۵	تحلیل و بررسی «کمال انسان».....
۴۹	تحلیل و بررسی واژه «انسان کامل».....
۴۹	انسان کامل در فلسفه اسلامی.....
۵۱	انسان کامل در عرفان اسلامی.....
۵۶	نتیجه‌گیری این فصل.....
۵۹	فصل دوم: تحلیل انسان کامل، در آموزه‌های اشو و نقد آن.....
۶۱	نقطه شروع.....
۶۱	گذری بر زندگی اشو.....

۶۲	 شکل‌گیری عرفان اشو
۶۲	 آثار اشو
۶۳	 بخش اول: انسان و کمال در آموزه‌های اشو
۶۳	 انسان از دیدگاه اشو
۶۳	 چستی انسان
۶۹	 ساخت‌های انسان
۷۱	 نیازهای انسان
۷۶	 کمال از دیدگاه اشو
۷۶	 چستی کمال
۷۷	 کمال انسان از دیدگاه اشو
۹۹	 موانع کمال
۱۰۱	 انسان کامل از دیدگاه اشو
۱۰۳	 انسان نوین
۱۰۴	 عمده‌ترین ویژگی‌های انسان کامل
۱۰۹	 خصوصیات انسان کامل
۱۱۷	 نتیجه‌گیری این بخش
۱۱۸	 بخش دوم: نقد و بررسی انسان کامل در عرفان اشو
۱۱۸	 نقطه شروع
۱۱۹	 راهنمای مسیر
۱۲۰	 نگاهی کلی به منظومه فکری اشو
۱۲۱	 نقد و بررسی کلی اندیشه اشو
۱۲۳	 نقد و بررسی اصول اعتقادی اشو درباره مسأله انسان کامل
۱۲۳	 اصل اول: چستی انسان
۱۲۴	 نقد و بررسی اصل اول
۱۲۴	 ناسازگاری درونی
۱۲۹	 ناسازگاری بیرونی
۱۳۸	 اصل دوم: چستی کمال
۱۳۸	 نقد و بررسی اصل دوم
۱۳۸	 ناسازگاری درونی
۱۳۹	 ناسازگاری بیرونی
۱۴۶	 اصل سوم: کمال انسان
۱۴۷	 نقد و بررسی اصل سوم

۱۴۷	ناسازگاری درونی
۱۴۹	ناسازگاری بیرونی
۱۵۶	اصل چهارم: انسان کامل
۱۵۶	نقد و بررسی اصل چهارم
۱۵۶	ناسازگاری درونی
۱۶۰	ناسازگاری بیرونی
۱۷۹	نتیجه گیری این بخش
۱۸۱	فصل سوم: تحلیل انسان کامل، در آموزه های پائولو کوئلیو و نقد آن
۱۸۳	نقطه شروع
۱۸۳	گذری بر زندگی کوئلیو
۱۸۳	شکل گیری عرفان کوئلیو
۱۸۴	آثار کوئلیو
۱۸۵	بخش اول: انسان و کمال در آموزه های پائولو کوئلیو
۱۸۵	انسان از دیدگاه پائولو کوئلیو
۱۸۵	چیستی انسان
۱۹۱	ابعاد و ساخت های انسان
۱۹۲	نیازهای انسان
۱۹۹	کمال از دیدگاه پائولو کوئلیو
۱۹۹	چیستی کمال
۲۰۱	کمال انسان از دیدگاه پائولو کوئلیو
۲۰۱	ویژگی های راه کمال
۲۱۴	مراحل رسیدن به کمال
۲۲۲	انسان از دیدگاه پائولو کوئلیو
۲۲۴	انسان های مستعد کمال
۲۲۴	ویژگی های انسان کامل
۲۳۳	بخش دوم: نقد و بررسی انسان کامل در عرفان پائولو کوئلیو
۲۳۳	نقطه شروع
۲۳۴	راهنمای مسیر
۲۳۵	نگاهی کلی به منظومه فکری پائولو کوئلیو
۲۳۶	نقد و بررسی کلی اندیشه کوئلیو
۲۳۷	نقد و بررسی اصول اعتقادی پائولو کوئلیو، درباره مسأله انسان کامل
۲۳۷	اصل اول: چیستی انسان

۲۳۸	نقد و بررسی اصل اول
۲۳۸	ناسازگاری درونی
۲۵۰	ناسازگاری بیرونی
۲۵۳	اصل دوم: چیستی کمال
۲۵۳	نقد و بررسی اصل دوم
۲۵۳	ناسازگاری درونی
۲۵۷	ناسازگاری بیرونی
۲۵۹	اصل سوم: کمال انسان
۲۵۹	نقد و بررسی اصل سوم
۲۵۹	ناسازگاری درونی
۲۷۹	ناسازگاری بیرونی
۲۸۳	نتیجه گیری از این بخش
۲۸۵	نتیجه گیری کلی
۲۸۹	کتابنامه

سخن پژوهشکده

بهر آن پیغمبر است را شرح سافت هر که خود را شناخت یزدان را شناخت
(مولوی)

بی تردید یکی از دشواریهای آدمی در طول تاریخ اندیشه او، شناخت حقیقت انسان، مرتبه و جای او و راههای رسیدن به کمال و سعادت می باشد. اما از سویی انسان روزین گرچه در علوم مختلف گامهای بلندی برداشته است ولی از سویی دیگر جهان مدرن با مشکلاتی که فراروی انسان نهاده، بستر مناسبی برای غفلت انسان از خویش راستین خود فراهم ساخته است. دنیای جدید پاسخ های جدید به نیازهای کهنه انسان یافته است که بسیاری از آن نیازها، نیاز معنوی و عرفانی است آشفتگی این پاسخها در ایجاد گش و رویکردهای معنوی و عرفانی سبب شده است آسیب هایی در انتخاب صحیح انسان در چگونگی معنی بخشی به زندگی و سلوک معنوی و عرفانی بوجود بیاورد؛ لذا پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام به جهت آسیب شناسی در حوزه باورداشتهای دینی به منظور عرضه صحیح و دفاع

معقول اندیشه عرفانی و زدودن پیرایه‌های موهم، موهن و فراگیر عرفان و معنویت‌های نوظهور از جمله عرفان‌های سکولار / اوشو و پائولو کوئیلو از ساحت قدسی دین اقدام به نشر این اثر نموده است. پژوهش حاضر که حاصل تلاش پژوهشگر توانمند جناب آقای محمد ابراهیم اعیلی عبداللهی می‌باشد که با ارزیابی‌ها و تغییرات گسترده به جمع اسلامی عرضه می‌گردد.

نکته خاص در اهمیت این اثر را آنجا باید جست که مباحثی در خور توجه و سنجش در ارتباط با مهمترین محورهای شبهات معنویت‌های دیری به همراه جوابهای اقناعی و بدیع ارایه شده است. به ثمر رسیدن این پژوهش و غنای علمی آن با کمک و تلاش‌های آقای دکتر عظیم عابدینی همراه شده است که موجب قدردانی و سپاس می‌باشد.

در پایان ضمن تشکر از حسن توجه و حمایت و خوانندگان محترم، پیشاپیش از انتقادات، نظرات و پیشنهادات صاحب نظران استقبال می‌نمایم.

پژوهشگر، ابراهیم اعیلی

مقدمه حضرت آیت الله دکتر عابدی

یکی از ویژگی‌های عرفان «بیان‌ناپذیری» آن است. عرفان نه علم است و نه فلسفه، زیرا این موضوع، غایت و هدف، و در روش با آن‌ها متفاوت است. عرفان نه با زبان علم قابل تبیین و توضیح و تفسیر است و نه با عقل فلسفی قابل ترجیح و علاقه است و نه با زبان محاوره قابل گفتگو است.

معانی هرگز اندر حرف نایند که بحر قلزم اندر ظرف ناید
الفاظ و کلماتی که مربوط به عالم ماده و مادیات هستند و در ذات آن‌ها محدودیت و نقص و ضعف وجود دارد هرگز نمی‌توانند گویا و بیان‌کننده عالمی فراتر از این عالم ماده باشند. تسلیمات محدود این دنیایی نمی‌توانند از نامحدود حکایت داشته باشند. و بلکه سخن معانی و مطالب آن دنیایی با سخن کلمات و مفاهیم این دنیایی متفاوت است. اگر انطباع کبیر در صغیر محال است و کامل در ظرف ناقص قرار نمی‌گیرد مطالب عرفانی نیز در واژه‌های مادی قرار نمی‌گیرند.
عرفان یافتنی است نه دانستنی، عرفان چیزی است که انسان در خلوت خود می‌یابد. عرفان چیزی نیست که کسی بتواند با آن فخر

فروشی کند، عرفان انس با خدای متعال است. عرفان محبت و نهایت عشق به کمال مطلق که همان ذات مقدس ربوبی است می‌باشد. عرفان برخاستن از عالم ماده و صعود به قله معنویت و گذر از ملکوت و بلکه از جبروت است. عرفان پیوند با مقام «فی مقعد صدق» و «قاب قوسین» و «و ادنی» است.

عرفان دارای دو رکن اساسی است: توحید و ولایت. و به عبارتی شناخت خدای متعال و انسان کامل. و معنویت بدون شناخت این دو رکن از اسمی چیزی جز بازی با الفاظ و کلمات نیست. انسان کامل یا کون جامع، بهر همه اسماء الهی بوده و با شناخت اوست که می‌توان معرفت به درگاه ربوبی پیدا کرد. شناخت حقیقت نفس، تجرد نفس، مراتب این تجرد، مقامات و احوال و منازل نفس، بدایات و متوسطات و نهایت درجات نفس، تلویس، اکوین، اخبات، صحو و محو و محق و طمس، سر و باطن و خفی و اخفی و... مقدمات آغازین صعود به معرفت نفس است. و همه این معارف در قرآن کریم و سنت اهل بیت علیهم السلام به بهترین وجه تبیین شده است.

متأسفانه در سال‌های اخیر واژه عرفان ملعبه دست برخی شیادان قرار گرفته و انس با شیطان و حرکت قهقرائی به سوی مادیات و فاصله گرفتن از معنویات را عرفان نامیده، و با سوء استفاده‌های خود، رذیلت را فضیلت، جهل را علم، ناجوانمردی را فتوت و جوانمردی، بی‌حیائی و بی‌عفتی را حیاء نامیده و با عوض کردن معنای کلمات از حسن معنویت طلبی مردم در جهت ضد معنویت بهره برده‌اند. شاید امروز دروغ و فریب و دام شیطان در موضوع عرفان و معنویت بیش از

هر جای دیگر باشد. کسانی که بویی از معنویت نبرده‌اند داعیه‌دار و مدعی معنویت شده‌اند. و در این راستا نهله‌ها و مکتب‌های مدعی اخلاق و عرفان فراوانی را طراحی و ساخته و به نشر و تبلیغ آن‌ها روی آورده‌اند. و دام شیطان با نام «معنویت‌های نوظهور» و نام «اکنکار»، «تی‌ا»، «عرفان سرخپوستی»، «عرفان دالایی لاما»، «کریشنا»، «اشو»، «عرفان بودائی»، «عرفان حلقه»، «عرفان کیهانی»، و... گسترده شده است. و تاسف بیشتر آنکه برخی از این نهله‌ها و گروه‌ها آموزه‌هایی از عرفان اصیل را گرفتار با تحریف آن‌ها، دستاویزی برای سخنان خود پدید آورده‌اند؛ با عنوان مثال در عرفان اصیل علم را حجاب و بلکه حجاب اکبر و گاهی حجاب نورانی می‌نامند. ولی معنای این کلام، زشت بودن علم و کنار گذاشتن آن نیست. هیچ عارف و اصلی نمی‌گوید علم را کنار گذاشته و از آن اجتناب یا دوری کنید. مقصود از حجاب بودن علم آن است که به این علم تعاضت و اکتفا نکنید و بدانید فراتر از آن نیز چیزهایی وجود دارد. بدنه عرفای بزرگ، حجاب را تا وارد نشوی نمی‌توانی آن را پاره کنی یا از بین ببری. گذر از این حجاب متوقف بر ورود در آن و عدم توقف در آن است. به همین جهت قدم اول در راه عرفان، شناخت پیدا کردن و تبیین کامل در منطق، کلام، فلسفه و بویژه فلسفه اشراق و حتی در فقه و اصول است. اما در عرفان‌های نوظهور و برخی از فرقه‌های صوفیانه کاملاً نگرش بدبینانه به علم وجود دارد و کلاً علم و عقل و فهم و معرفت و شناخت را کنار گذاشته‌اند. اگر کسی در عرفان چنان گام بردارد که بزرگان رفته‌اند به نادرستی و ناکارآمدی این مدعیان معنویت‌های

نوظهور واقف خواهد شد. کسی که علم و عقل و استدلال را کنار می‌گذارد و از آن مذمت می‌کند هر خرافه و اسطوره‌ای را می‌پذیرد و ملاکی برای تشخیص حق و باطل نخواهد داشت. این صحیح است که عرفان غیر از علم و فلسفه است ولی باید توجه داشت که عرفان، عقل و علم گریز است نه عقل ستیز. عرفان عقل نیست ولی ضد عقل نیز نمی‌باشد. اما در عرفان‌های نوظهور مسائل عقل ستیز را به جای عقل گرفتن طرح کرده و سخنان غلط و نادرست خود را با این گونه مغلطه‌ها تحریف می‌دهند.

اثر حاضر که به نام «عالم فرهیخته و متخلق حضرت حجت الاسلام و المسلمین آیت الله العظمی محمد باقر عابدی» از فکری منسجم و منظم و منطقی، با مانی زیبا و با رویکردی نو و بدیع به بحث از عرفان اصیل و عرفان‌های نوظهور در چند نحلّه و فرقه خاص پرداخته و به تبیین و نقادی آن‌ها پرداخته است. این اثر در موضوع خود بسیار حائز اهمیت بوده و می‌تواند دیدگاه جدیدی را فراروی خوانندگان پدید آورد. نگارنده این مقدمه ضمن تقدیر و تشکر از نویسنده محترم، مطالعه اثر حاضر را به همه مستان پژوهشگران عرصه عرفان و عرفان‌های نوظهور توصیه می‌کنم. امید آنکه این آثار در جهت تبیین اهداف بلند اسلام و قرآن موفق بوده و هر سال شاهد دیگر نگارش‌های قویم حضرت آقای عبداللّهی عزیز باشیم. بمنه و کرمه.

احمد عابدی

پیش گفتار

نگاهی کوتاه به ذات و ماهیت انسان، ما را بدان رهنمون می‌سازد که انسان، به حد، شناختی، احساسی و رفتاری دارد. و او با کمک گرفتن از حیطه اندیشه‌ان و شناختی خود می‌کوشد نسبت به امور هستی و ارتباط بختی‌ها شناخت پیدا کند. بعد از شناخت، و تغییر نگرش ذهنی، نسبت به آرا، احساس پیدا می‌کند و انگیزه او برانگیخته می‌شود و در مرحله بعد، آن محبت که برخاسته از احساس اوست، انسان را به حرکت و تغییر در رفتار، وادار می‌کند. از این رو برای تسلط بر فرهنگ‌ها، اندیشه‌ها و جریان‌ها، هر رین راه، نفوذ به حیطه شناختی انسان‌هاست. وقتی بتوانیم اندیشه را عوض کنیم، در حقیقت، توانسته‌ایم احساس و سپس رفتار آدمی را تغییر دهیم. از دهه ۱۹۶۰ میلادی که جنبش تقابل فرهنگی جوانان، در آمریکا رخ داد، در واقع، این کار، اولین روزنه‌ی نفوذ به حیطه شناختی انسان‌های آن منطقه بود که طی آن، قلمرو دین و دین‌داری، آموزه‌ها، اعمال و عقاید دینی، به ویژه دین مسیحی حاکم بر آن جامعه، با چالش‌های جدی و انکار ناپذیر روبرو شد. بر اساس این تغییر نگرش،

محیطی در غرب پدید آمد که بعدها برخی از نویسندگان، از آن با عنوان «محیط زاد و ولد فرقه‌ای» یاد کرده‌اند.

مدرنیته و ره‌آوردهای آن، از جمله عقلانیت، حقوق بشر و آزادی‌های لحاظ شده در آن، اقتصاد بازار، فرهنگ سکولار (مادی‌گرایی)، دموکراسی (آزادی خواهی) و کثرت‌گرایی بستر مناسبی برای ظهور، رشد و افول رویکردهای جدید دینی بوده است.

در عصر مدرنیته، انسان، در پی سایبانی مقدس است که از گرمای سوزان بی‌برینی اعتمادی به سنت‌های پیشین و در به دری ناشی از نبودن اعتقاد تعالی به زیر سایه آن، پناه ببرد و دین، همان سایبان است. اما کدام دین؟ دین، اماناد است اما اعتقادی که «تعلق» به همراه ندارد و گاه تعلقی است که «است» در آن نیست.

در حیطه شناختی و اندیشه‌ای انسان، برای کسب معرفت، سه دیدگاه کلان وجود دارد: الف) دیدگاه مشرب عقل بشر، مشاهدات و استدلال‌های او که به دیدگاه فلسفی عقلی و تحقیقی علمی معروف است؛ ب) دیدگاه مبتنی بر حجیت و اعتبار وحی آسمانی الهی که صرفاً به تعالی خود بشر می‌انجامد و به دیدگاه ادیان نهاد الهیات نظری، شهرت دارد؛ ج) دیدگاه متکی بر تجربه‌های معنوی و روحانی شخصی و یا شهود درونی.

بر اساس این سه دیدگاه، انسان امروزی که به لحاظ عمل و اندیشه، از دین و سنت، جدا افتاده و جویای معنویت و عرفان است،

سه راه، پیش‌روی خود می‌بیند:

الف) دسته‌ای به سوی نهادهای دینی محافظه‌کار می‌روند که با تمام غفلت‌های عقلانی و اجتماعی موجود در آن‌ها اما هیچ‌گاه اجازه نداده و نمی‌دهند که دیدگاه‌های مختلف، به درون جوامع دینی آنها وارد شوند؛

ب) دوم ادمان آسیایی یا شرقی‌ست. امروزه بسیاری از جوامع غربی و اسلامی، ستری برای تبلیغ بودیسم، هندوئیسم و دیگر ادیان شرقی شده است؛

ج) سوم ادیان جایگزین جدید و یا جنبش‌های عصر جدید است.

بیشتر ادیان جدید یا جنبش‌های نوپدید دینی، دیدگاه سوم را برگزیده و آن‌ها به دنبال کشف حقیقت، از دینی «فرا عقلی» و «فرا دینی» هستند. گاهی از این جنبش‌ها به عنوان «ای کاذب»، تعبیر می‌شود و شکی هم نیست که بسیاری از ادیان جدید، «عرفان» البته از نوع «روانشناختی» آن، تاکید دارند. عرفان روانشناختی، بر یافتن حقیقت، با تکیه بر «خود»، تاکید دارد و محور کار آن «خدای درون» یا «یافتن و تأدیب کودک درون» است.

امروزه، عرفان‌های کاذب به دو دسته کلی، تقسیم می‌شوند: عرفان‌های سکولار و عرفان‌های دینی. عرفان سکولار، سه عنصر اساسی دارد:

الف) در آن هیچگونه اعتقاد به خدا نیست؛

ب) از شریعت و حیانی و آسمانی پیروی نمی کند؛

ج) به قیامت و جهان دیگر معتقد نیست.

لذا هرگونه مکتب عرفانی که این سه ویژگی در آن باشد، عرفان سکولار است. و هر مکتب عرفانی که این ویژگی ها را نداشته باشد، از عرفان های دینی شمرده می شود. برای مثال، عرفان های هندی، جزء عرفان های سکولار به حساب می آیند؛ یکی از مسائل مهم در عرفان های مندرجات های شگفت انگیز است که بسیاری از آنها ارزش حقیقی ندارد و در برخی موارد باید گفت: این، خاصیت نفس است که اگر آن را محدود کرده و به گونه ای خاص، تمرین دهیم، به چنین توانایی هایی دست می یابیم. باید توجه داشت، قدرت های معنوی و حرکات شگفت آور، به خودی خود، به عرفان است و نه نشانه ای از عرفان راستین. عرفان حقیقی، چیزی جز تسلیم به خدا و معرفت او نیست.

فرقه های شبه عرفانی (جنبش های نوپدید دینی، در جهان، به هفت دسته کلی تقسیم می شوند: ۱. عرفان های هندی؛ ۲. عرفان های امریکایی؛ ۳. عرفان مسیحیت؛ ۴. عرفان یهود؛ ۵. عرفان چینی؛ ۶. پدیده ای به نام فرا علم یا فرا روانشناسی؛ و ۷. سینمای ماورا.

از آنجایی که عرفان های نوظهور نوعی از عرفان روانشناختی را به همراه دارند یافتن حقیقت را با تکیه بر «خود»، پیگیری می کنند، در این

تحقیق، به مهم‌ترین عنصری می‌پردازیم که همه آموزه‌های این معنویت‌ها، بر اساس آن پایه‌ریزی شده و آن، عنصر «انسان‌شناسی» در عرفان‌های کاذب است؛ البته با توجه به محدود بودن این تحقیق و اختلاف عقیده در میان معنویت‌های مختلف، در بحث انسان‌شناسی، فقط به آن آرمانی و مطلوب (کامل) و در میان عرفان‌ها نیز به بررسی عرفان‌اشو و بائه‌لو کوئلیو خواهیم پرداخت. وجه انتخاب معنویت‌اشو و کوئلیو، سویی، گسترش این دو معنویت در ایران و به ویژه در میان جوانان و استمرار فعالیت‌های گسترده تبلیغی آنان است و از دیگر سو، جذابیت‌های کاذب و انحرافی آموزه‌های این دو معنویت، چون سکس و ابتذال و محبت و عشق که خط‌اک‌ترین تعالیم را در میان عرفان‌ها دارند.

مراد از تعبیر «کامل» الزاماً همان واژه مخاطب در میان پیروان دین اسلام نیست که بار معنایی ارزشی و قداست خاصی دارد، بلکه آنچه مد نظر نگارنده است، همان مطلوبیت نهایی برای انسان است که پس از پیمودن مراحل برای انسان، حاصل می‌شود به عبارت دیگر، مراد، همان درجه و رتبه نهایی است که انسان، پس از عمل کردن بر اساس یک برنامه عملی، در طول مدت زندگی، آن را به دست می‌آورد. از رسیدن به چنین جایگاهی، در اندیشه‌های اسلامی، به «کامل» و «کمال یافته» تعبیر می‌شود که به جهت رسیدن به مقام قرب خالق هستی، نوعی قداست خاص نیز دارد.

از جمله سؤال‌هایی که درباره این موضوع، مطرح می‌شود و مدت‌ها ذهن نگارنده را نیز به خود مشغول داشته بود، موارد زیر است:

۱. با توجه به ادعاهای زیاد این دو روش عرفانی برای خوشبختی

انسان، نگاه آن‌ها به انسان چگونه است؟

۲. بر فرض پایبند بودن انسان، به آموزه‌های این دو روش عرفانی، فرجام کار، به کجا خواهد انجامید؟

۳. بر اساس آموزه‌های اشو و کوئلیو مطلوبیت و کمال نهایی انسان، در چیست؟

۴. نگاه قرآن و سنت، به انسان مطلوب و کاملی که اشو و کوئلیو معرفی می‌کند، چیست؟

آنچه به نظر می‌رسد این است که تفکر حاکم بر این دو معنویت، همان اندیشه رایج در غرب؛ یعنی انسان‌مداری (اومانیزم) است که همه چیز را بر محور انسان و برای انسان می‌داند. دیدگاهی که انسان‌را تک بعدی و عاقبت و نهایت بشر را همین دنیای داند از این رو انسان باید تمام تلاش خودش را برای کسب لذات و به کارگیری هر چه می‌پسندد انجام دهد. بر این اساس، هر شخصی که بتواند بیشترین لذت‌ها و خواسته‌های خودش پاسخ دهد، به کمال، نزدیک شده است، بدون شک از خواسته‌های غریزی و حیوانی انسان، سکس و ابتذال است که بر اساس این اندیشه، اوج گرفتن در سکس و ابتذال، نشانه رسیدن به مرحله کمال خواهد بود.

منابع اصیل اسلامی، چون انسان را دارای دو بعد روحانی و جسمانی و بعد روحانی را مجرد و اصل می‌دانند، غیر از دنیا به ماوراء دنیا نیز عقیده دارند؛ ماورائی که روح بتواند در آن، آرام گرفته، نتیجه عملکرد خود را در دنیا، و آنجا ببیند. حرکت انسان بر اساس فطرت خویش و برنامه عملی زندگی که خدا آن را همسان با فطرت بشری بیان داشته است، کمال نهایی انسان را رقم زده، و او را به قرب الهی، نزدیک می‌نماید.

در این تحقیق، چند نکته مهم، از اهداف اصلی آن بوده، که عبارت‌اند از:

- ۱- خنثی ساختن تاثیر انداز بی‌رویه عرفان‌های کاذب، با تبیین مدل و الگوی انسان کاملی که اشو و کوئلیو مطرح می‌کنند و نقد و بررسی آن‌ها بر اساس اندیشه اسلامی (در آن و روایت)؛ چرا که معتقدیم، از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذاری خریب، های نوپدید، در ایران، نادانی و غفلت برخی از مردم است و این عامل، در طول تاریخ اسلام، در پیدایش بسیاری از فرق و مذاهب، مؤثر بوده است.
- ۲- آشکار ساختن پیوجی و ساختگی بودن آموزه‌ها و این دو عرفان، به طور خاص، درباره فرجام انسان، که با کشف تناقضات و مغالطات منطقی موجود در اعتقادات آن‌ها، در نهایت، به سست شدن مبانی فکری هواداران و از بین رفتن دلدادگی پیروان اشو و کوئلیو می‌انجامد.

۳- معرفی مدل و الگوی انسان کامل، بر اساس قرآن و روایات و تبیین ارزش شناختی جایگاه انسان، در اندیشه اسلامی.

این پژوهش، بر اساس روش تحقیق کتابخانه‌ای صورت گرفته که البته در برخی موارد، از تحقیقات میدانی نیز استفاده شده است. در میان گرنه‌های پژوهش در روش تحقیق کتابخانه‌ای، از پژوهش مقایسه‌ای یا تطبیقی، بهره گرفته شده است. پژوهش تطبیقی در مواردی است که برای حل یک مسأله و چالش علمی، به سراغ گذشته و آینده می‌رویم، به‌که یک پدیده چالش را با نمونه‌های دیگر که از همان سنخ هستند مقایسه می‌کنیم؛ مثل تطبیق و مقایسه انسان کامل در عرفان اشو و کوئلیو با اندیشه اسلامی. کسب نگرش منظم و بصیرت نافذ و همه جانبه نگر برای دست‌یابی می‌تواند از فوائد پژوهش‌های تطبیقی دانست.

در تبیین اندیشه هر یک از دو عرفان باید تلاش شده است، ابتدا ادعا و آموزه، توضیح داده شود و سپس شاهد و مؤید آن بصورت نقل قول مستقیم، آورده شود. در تحلیل و نقد و بررسی اندیشه‌های این دو عرفان نیز ابتدا اعتقادات اشو و کوئلیو در باب انسان کامل را در قالب چند اصل کلی، تنظیم و با محوریت ناسازگاری درونی و ناسازگاری بیرونی، مورد نقد قرار داده‌ایم. بررسی، بر اساس ناسازگاری درونی، یعنی صرفاً با نگاه درون عرفانی، بدون دخالت دادن اندیشه‌های خارج از عرفان مطرح؛ با این مبنا تلاش شده است،

تناقضات و مغالطات اعتقادات و آموزه‌های هر یک از دو عرفان، کشف و تبیین شود. بررسی، براساس ناسازگاری بیرونی، یعنی نقد اندیشه‌های اشو و کوئلیو بر اساس قرآن و روایات، به گونه‌ای که پس از آن بتوان در پی نقد آن آموزه‌ها الگوی انسان کامل قرآنی و روایی را معرفی کرد.

بنابراین استقراء صورت گرفته، پژوهشی درباره انسان‌شناسی و انسان کامل، در عرفان و ادبیات، اشو و کوئلیو، به صورت جزئی و تطبیقی با اندیشه اسلامی (قرآن و روایات) صورت نگرفته است. پژوهش‌های صورت گرفته، به طور معمول، هر یک از عرفان‌ها را به صورت کلی نقد و بررسی کرده‌اند؛ مانند آفتاب و سایه‌ها (نگرشی بر جنبش‌های نوظهور معنویت‌گرا) و مجموعه هشت جلدی نقد و بررسی جنبش‌های نوظهور معنوی، تألیف دکتر محمدتقی فعالی؛ اشو، از واقعیت تا خلسه، تألیف هادی و کیلی و از اد مدنی؛ آب و سراب، تألیف قادر فاضلی؛ جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور، تألیف حمیدرضا مظاهری‌سیف؛ و مجموعه دوازده جلدی آینه‌ای جمالی و نقد عرفان‌های نوظهور، به قلم جمعی از پژوهشگران. البته در باب هم از سایت‌ها مقالاتی درباره خدا، انسان و تناسخ، دیده می‌شود که آن هم به صورت تطبیقی با اندیشه اسلامی، نگاشته نشده است. منابع مکتوب دیگری که در قالب مقاله و کتاب، به نقد عرفان‌ها پرداخته‌اند، افزون بر نگاه مجموعی به هر عرفان، در نقد و بررسی نیز از روش نظام‌مند و منطقی، استفاده نکرده‌اند.

اهمیت این تحقیق در چند امر، نهفته است:

۱- هدف قرار دادن مهم‌ترین مفهوم در مباحث نظری و عملی، پس از مفهوم «خدا»؛ به طور کلی، همه مباحث علمی، بر محور سه مفهوم خدا، انسان و هستی، می‌چرخد؛ بعد از مفهوم خدا، درباره مفهوم انسان، بیشترین مباحث نظری و علمی مطرح شده است و اساساً از انسان‌شناسی، زیربنای معنی‌دار شدن مفاهیم خدا و هستی می‌شود و رفتارهای اردشی و اخلاقی و حتی رفتارهای اقتصادی، بر همین اساس تنظیم می‌شود. همین روست که مسأله انسان کامل، یعنی آخرین درجه و رتبه، الیه انسان، اهمیت یابد؛ به خصوص آنگاه که نگاه‌های دگراندیشان با ناسخ اصیل دین اسلام، سنجیده می‌شود.

۲- بررسی انسان آرمانی و مطلوب عرفان اشو و کونلیو و مقایسه آن با انسان مطلوب بیان شده در قرآن و سنت؛

۳- بهره‌گیری از پژوهش تطبیقی و مقایسه‌ای، به گونه‌ای که ارزش گزاره‌های اعتقادی هر یک از عرفان‌ها در کنار گزاره‌های قرآنی و روایی، نمود پیدا می‌کند و عمق منطقی بودن یا نبودن هر گزاره و سازگاری داشتن با فطرت آدمی، در روش مقایسه‌ای، به روش بروز پیدا می‌کند.

۴- توجه به چالش‌ها و دغدغه‌های روز جامعه اسلامی و کاربردی بودن این تحقیق.

این پژوهش، سه فصل دارد که در فصل اول، به کلیات و مفهوم

شناسی تحقیق اشاره دارد. در فصل دوم، که خود از دو بخش تشکیل شده است، در بخش اول به انسان و کمال در آموزه‌های اشو پرداخته شده که محورهایی چون: انسان از دیدگاه اشو؛ کمال از دیدگاه اشو؛ کمال انسان از دیدگاه اشو و انسان کامل از دیدگاه اشو را دربردارد و در بخش سوم به تحلیل و نقد انسان کامل در آموزه‌های اشو پرداخته است. فصل سوم، نیز که از دو بخش تشکیل یافته است، در بخش اول به انسان و کمال در آموزه‌های پائولو کوئلیو می‌پردازد که محورهایی چون: انسان از دیدگاه کوئلیو، کمال از دیدگاه کوئلیو؛ کمال انسان از دیدگاه کوئلیو و انسان کامل از دیدگاه کوئلیو را دربردارد و در بخش دوم به تحلیل و نقد انسان کامل در آموزه‌های پائولو کوئلیو پرداخته است.

هر چند نگارش این کتاب، بسیار سبب رنجش، وقت مرا خوش داشت و خود، در تغییر برنامه‌ریزی علمی‌ام نقش اساسی داشت، اما امید که در عصر پژمردگی‌ها، افسردگی‌ها و دین‌مردگی‌ها، خاطر عزیزانی را نیز شاد دارد و بارقه‌ای از عشق و محبت در سینه و معنویت راستین را بر چشم و دل خوانندگان گرمی، بتاباند و از آن سو، از انحرافی، التقاطی و سرابی بودن برخی معنویت‌واره‌های وارداتی و عرفان‌واره‌های خودساخته، رمزگشایی نماید.

از همه بزرگان و بزرگواران و دوستان و دانشجویانی که در نگارش این کتاب، همراه و همگام بودند، صمیمانه سپاس گزارم.

سپاس ویژه خودم را تقدیم می‌دارم به استادان فرزانه و فرهیخته‌ام: حضرت آیت الله دکتر احمد عابدی که علاوه بر نگارش مقدمه گرانسنگ خویش، علی‌رغم مشغله‌های علمی فراوان در سئوالات و چالش‌هایی که بوجود می‌آمد هدایتگر اینجانب بودند؛ حضرت بخت الاسلام و المسلمین دکتر محمد تقی فعالی که در اصل نگارش این کتاب و ساختار کلان آن نقش مفیدی داشته‌اند؛ حضرت حجت الاسلام سیدین دکتر طالبی دارابی و دکتر سید مجید ظهیری که به واقع گام به گام، در تولید این اثر، نقش داشته‌اند.

همچنین - تا دارد قلم‌دان همدلی و حسن نظر دو دوست بزرگوارم باشم: جناب حجت الاسلامم دکتر مسلم گریوانی که علاوه بر اینکه مشوق من در امر پایش معریت‌های مدرن بود، در کمک به فرایند نگارش این کتاب نیز مرا از راه‌هایی‌های خویش بی‌نصیب نگذاشت؛ و جناب آقای دکتر عظیم عابدینی به جهت پیگیری‌های امور نشر این کتاب.

باید یادآور شوم که مجموعه پیش‌رو - حال از نقص نیست از این‌رو هر گونه نقصی متوجه اینجانب و هر حسنی نیز در سبب همکاری افراد ذکر شده محقق شده است.

شهر مقدس قم

رمضان المبارک ۱۴۳۵ هـ. ق

محمد اسماعیل عبداللہی